



doi: [10.30497/rc.2023.244820.1988](https://doi.org/10.30497/rc.2023.244820.1988)



Received: 2023/07/08

Accepted: 2023/08/16

The investigation of the extent and qualifications of co-culture of Islamic schools graduates and other schools in Tehran and the impact of family and media factors

Mahboobeh Partoalam*

Hosein Dehghan**

Abstract

The purpose of the present study is to identify the extent and qualifications of co-culture (social values and norms and behavioral patterns) of graduates of Islamic schools and other schools (public and non-governmental) in Tehran and the impact of family and media factors. The method of this study is the "online researcher-made questionnaire" to collect data. The statistical population of the study includes all students of Islamic schools and other schools in Tehran who have been graduated from high school and school in the last three years, with a random method and 385 graduates of Islamic schools as well as 384 graduates, this is the total of 769 graduates of other schools in Tehran.

The validity of the research was calculated and approved by the formal methods of expert opinion and structural validity with the AMOS Software and Software Method; Cronbach's alpha variables were higher than 0.9, indicating high reliability of the research. The results of the research using t-test with SPSS software show that the graduates of Islamic schools, than the graduates of other schools in Tehran, are more cultural and share in cultural elements (including values and norms, social and behavioral patterns). Explanatory findings of the research in the form of structural equation model with the help of AMOS software showed that the factors of "family" and "mass media" affect the co-culture of Islamic school graduates.

Keywords: Co-culture, Graduates, Islamic schools, School, Mass media.

* Department of Sociology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University of North Tehran, Tehran, I.R.Iran.

mpartoalam@yahoo.com

0009-0004-6134-7099

** Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

dehqan.azad@gmail.com

0000-0002-6491-9513

نقش خانواده و رسانه در هم‌فرهنگی دانش‌آموختگان مدارس اسلامی و سایر مدارس شهر تهران^۱

محبوبه پرتوالم *
حسین دهقان **

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناخت میزان و چگونگی هم‌فرهنگی (ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری) دانش‌آموختگان مدارس اسلامی و سایر مدارس (دولتی و غیردولتی) شهر تهران و تأثیر عوامل خانواده و رسانه بر آن است. روش پژوهش، پیمایشی است. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار «پرسش‌نامه محقق‌ساخته برخط» استفاده شده است. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان مدارس اسلامی و سایر مدارس شهر تهران که در سه سال اخیر از دبیرستان و هنرستان دانش‌آموخته شده‌اند، می‌باشد که با روش نمونه‌گیری تصادفی تعداد ۳۸۵ نفر دانش‌آموخته مدارس اسلامی و نیز ۳۸۴ نفر از دانش‌آموختگان سایر مدارس شهر تهران، مجموعاً ۷۶۹ نفر مورد آزمون قرار گرفتند. اعتبار پژوهش با روش‌های صوری نظر خبرگان و اعتبار سازه با روش تحلیل عاملی تأییدی و با نرم‌افزار AMOS محاسبه و مورد تأیید قرار گرفت؛ شاخص‌های برازش مدل و نیز مقدار آلفای کرونباخ در سطح مطلوب و قابل استنادی قرار دارد و پایایی بالای پژوهش را نشان می‌دهد. نتایج پژوهش با استفاده از آزمون t با نرم‌افزار SPSS نشان داد، از نظر آماری وجود تفاوت در میانگین نمرات ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری و نهایتاً نمره هم‌فرهنگی در بین دو گروه دانش‌آموختگان، در سطح اطمینان ۹۹ درصد روشن و معنادار است؛ لذا فرضیه اصلی پژوهش تأیید شد و می‌توان اذعان نمود دانش‌آموختگان مدارس اسلامی، نسبت به دانش‌آموختگان سایر مدارس (دولتی و غیردولتی) شهر تهران، از هم‌فرهنگی و اشتراک بیشتری در عناصر فرهنگی (ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری) برخوردارند. یافته‌های تبیینی پژوهش در قالب الگوی معادلات ساختاری با کمک نرم‌افزار AMOS نشان داد عوامل «خانواده» و «رسانه»، بر هم‌فرهنگی دانش‌آموختگان مدارس اسلامی اثر دارد و به ترتیب ۴۹ و ۴۱ درصد، تبیین و پیش‌بینی‌کننده هم‌فرهنگی آنان است.

واژگان کلیدی: هم‌فرهنگی، اجتماعی شدن، دانش‌آموختگان مدارس اسلامی، رسانه، خانواده.

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی مطالعات فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال با

عنوان «بررسی میزان و چگونگی هم‌فرهنگی (ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری) دانش‌آموختگان مدارس اسلامی شهر تهران و تأثیر عوامل مرتبط با آن» است.

* دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، جمهوری اسلامی ایران. mpartoalam@yahoo.com

** استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول). dehqan.azad@gmail.com

مقدمه

در زمان پهلوی، فرهنگ ایران در شرایطی شکل می‌گرفت که از سویی، به دلیل افول سیاسی و اقتصادی ایران و احساس عقب‌ماندگی و شکست در رویارویی با تمدن نوخاسته غرب و شیفتگی نسبت به دستاوردهای علمی و اقتصادی آن، برخی از درباریان و روشن‌فکران را به الگوگیری از اندیشه و منش غربیان، و بیزاری و روگردانی از فرهنگ و سنت اسلامی - ایرانی تشویق کرد و در مقابل، برخی دیگر از عالمان و حاکمان، در واکنش به بعضی جنبه‌های دین‌ستیزانه و بدعت‌گرانه تمدن جدید، به مقابله با همه جلوه‌های آن حتی در شکل‌های نوین آموزش برآمدند؛ بنابراین از سویی ناکامی تلاش‌های وسیع سیاسی همچون جنبش مشروطه و سربرآوردن دوباره استبداد سیاسی، احساس یأس و میل به انزوا را در برخی لایه‌های دینی و اجتماعی قوت بخشیده بود و از سوی دیگر، حکومت پهلوی، تضعیف مخالفت بالقوه دینی را در چهره طرفداری از پیشرفت و تمدن، و ایجاد تقابل کاذب بین اسلامیت و ایرانیت، در برنامه‌های فرهنگی خود دنبال می‌کرد. شعارهای ضد‌دینی زمینه رشد و شیوع یافت و شبهاتی همچون تعارض دین و دانش، و ناگزیری نواندیشان و اصلاح‌گران از الگوگیری از مکاتب و احزاب غربی بر بسیاری از افراد سایه افکند؛ در این میان، ارائه الگویی نوین که هم بر ایمان و هویت دین پای بفشارد و هم علم جدید را از تهمت هویت دین‌ستیزانه بپیراید و هم امکان پرورش نسلی دین‌باور و دانشمند را در عمل اثبات کند، کاری دوران‌ساز بود که جز با زمان آگاهی مؤمنانه به دست نمی‌آمد. عده‌ای عالم به معارف دینی و علوم روز، همانند مرحومان علامه کرباسچی و استاد روزبه با تأسیس مدارس پسرانه علوی و نیز شهیدان بهشتی، باهنر و رجایی با تأسیس مدارس دخترانه رفاه، راه را بر امید نو برای حیات مؤمنانه در عصر جدید گشودند و با تبلیغ عملی مسئولیت اجتماعی، بر وظیفه خطیر انسان‌سازی به‌عنوان لازمه توفیق هر حرکت اجتماعی ریشه‌دار و آینده‌نگر پای فشردند. حاصل این تلاش، توان‌افزای حرکت‌های گسترده دیگری شد که سال‌ها بعد در انقلاب اسلامی تجلی یافت و بذر آن، بوستان‌های فراوان فرهنگی دیگری را با سبکی نوین در تربیت دینی و علمی بر و بار بخشید.

شبکه قوی و گسترده مدارس اسلامی، دارای شعبه‌های متعدد در تهران و سراسر

کشور، با فرهنگ و هویت مشترک در همه ابعاد و شئون (همانند اصول و اهداف، شیوه‌ها، مواد درسی، آیین‌ها و مناسک)، ضمن تأکید بر رسالت اصلی مکتب نبوی یعنی تربیت اخلاقی انسان‌ها توأم با زمان‌آگاهی و علم‌آموزی، امکان استمرار حیات دینی را در صحنه زندگی فردی و اجتماعی فراهم می‌آورند؛ در این مدارس، دانش‌آموزان مستعد، از میان خانواده‌های مذهبی‌گزینش می‌شوند و تا پایان تحصیل، ضمن آموزش‌های درسی موظف و رسمی آموزش و پرورش، بر تداوم و تعمیق تربیت و تعالیم اسلامی به دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان تأکید دارند.

این‌گونه مدارس که نوعاً از پیش‌دبستانی تا سال آخر دبیرستان و هنرستان، در رشته‌ها و گرایش‌های مختلف، به امر آموزش و پرورش اشتغال دارند، دارای وجوه مشترک بسیاری همچون راهبردها و چشم‌انداز، برنامه‌های آموزشی و درسی، کلاس‌ها و آزمون‌های دوره‌ای و کنکور، فوق برنامه‌ها، مراسم مذهبی، مکان‌های ورزشی و تفریحی، نیروهای انسانی اعم از اداری، مالی، دبیران و معلمان «مشترک» می‌باشند؛ دانش‌آموزان آنها بعضاً بر حسب منطقه سکونت یا شغل والدین و رشته تحصیلی دبیرستان، در این مجموعه در گردش و جابه‌جایی هستند و از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر منتقل می‌شوند.

مدارس اسلامی که در پژوهش حاضر به‌نوعی مدارس غیردولتی اطلاق می‌گردد که عضو «کانون مدارس اسلامی» بوده، اهداف، فعالیت‌ها و برنامه‌های دینی آنها، نسبت به خدمات آموزشی و درسی، «اساس و اولویت» دارد؛ این اولویت شامل کلیه فرایندهای تحصیلی اعم از جذب و ثبت‌نام دانش‌آموزان و خانواده‌های مذهبی، عدم پذیرش و حفظ و تداوم دانش‌آموزان غیرمذهبی در طول تحصیل، گزینش معلمان و کادر اداری مذهبی، ایجاد محیط و فضای مذهبی مدرسه و نظایر آن می‌باشد. ازسوی دیگر، به دلیل تأکید و اولویت‌دادن به تربیت اسلامی، طبعاً در این مدارس، انضباط و رعایت مسائل اخلاقی و مذهبی، اهمیت بیشتری دارد. با توجه به واپس‌آیش و نظارت و مقررات انضباطی حاکم بر این مدارس، به نظر محقق که خود دانش‌آموخته این مدارس است، بررسی و آزمون ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری دانش‌آموزان تحت تأثیر متغیرهای نظارتی و انضباطی مذکور قرار می‌گرفت؛ اما دانش‌آموزانی که درس خود را به اتمام رسانده و از این مدارس خارج شده و اغلب ایشان در محیط باز دانشگاه در

حال تحصیل هستند و دیگر ترس و اجبار و کنترل ناظم و معلم راهنما، مدیر و نمره انضباطی برای آنان وجود ندارد، نتیجه واضح‌تری دارد و بر اساس نظریات جامعه‌شناختی، میزان درونی شدن ارزش‌ها و هنجارها و رفتارها و اجتماعی شدن و پایبندی به اصول مذهبی آنها را بهتر نمایان می‌سازد؛ لذا به جای دانش‌آموزان، دانش‌آموختگان این مدارس برای سنجش انتخاب شدند.

شناخت مجموعه مدارس اسلامی، نیازمند بررسی چگونگی شکل‌گیری عناصر، ابعاد و هویت فرهنگی آنها در فرایند اجتماعی و ارتباطی است. اصولاً اعضای یک گروه صرفاً متأثر از تعلقات فرهنگی خود نیستند بلکه کنش‌گرانی هستند که متناسب با وضعیت اجتماعی و ارتباطی موجود، تعلق و وابستگی خود را معنا می‌بخشند. به نظر می‌رسد، دانش‌آموزان و بالطبع دانش‌آموختگان مدارس اسلامی، به یک گروه و اجتماعی نسبتاً منسجم و یکپارچه تبدیل شده‌اند. با گسترش ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، فرصت بسامد ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان دانش‌آموزان این مدارس افزایش یافته و این فرایند تعمیق بیشتری یافته است. این گستره وسیع نشانگر انسجام فرهنگی خاص این مدارس است که در بستر ارتباطی جدید، بیش از قبل فعال شده؛ لذا به منظور تبیین متناسب با حیات اجتماعی و شرایط ارتباطی جدید، تلاش شده تا ویژگی‌ها و عناصر فرهنگی آن‌ها ارزیابی و بررسی شوند.

«استمرار و بقای هر جامعه منوط به انتقال «فرهنگ»^۲ جامعه به نسل‌های جدید است؛ به عبارتی، مجموعه عقاید و باورها، ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها، آداب و رسوم و مهارت‌های آن. آموزش و پرورش، ساخت و کار^۳، وسیله و نهاد مسئول این انتقال است. آموزش و پرورش به طور اعم، مترادف با «جامعه‌پذیری»^۴ است؛ فرایندی که افراد به تدریج از طریق آن، قواعد، نقش‌ها، روابط اجتماعی و به‌طور کلی فرهنگ جامعه را می‌آموزند. آموزش و پرورش، به طور اخص، فرایندی است که افراد به واسطه آن در شرایط و وضعیت‌های سازمان‌یافته، در معرض آموزش منظم دانش‌ها، مهارت‌ها، رفتارها و نگرش‌های معین قرار می‌گیرند؛ شخصیت کودکان را طوری پرورش می‌دهند

-
2. Culture
 3. Mechanism
 4. Socialization

که برای مشارکت در جامعه و نقش‌های مورد نیاز آماده باشند. در هر جامعه، این وضعیت‌ها در قالب نظام آموزش و پرورش و سازمان‌های رسمی آن شکل می‌گیرد» (علاقه‌بند، ۱۳۹۷، ص. ۱)؛ لذا «فرهنگ» که متشکل از عناصر مختلفی همچون ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری می‌باشد، در فرایند اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری به افراد آموزش داده می‌شود.

تداوم فرهنگی به‌عنوان نقطه مقابل فاصله فرهنگی در گرو انتقال عناصر فرهنگی نهفته و انتقال سوگیری‌های ارزشی، هنجاری و رفتاری است؛ عدم تحقق کامل و صحیح آن می‌تواند برای جامعه مشکل‌ساز باشد؛ بنابراین، ضرورت شناخت عناصر فرهنگی، یعنی ارزش‌ها، هنجارها و تمایلات رفتاری مذهبی در میان نوجوانان و جوانان کشورمان، به‌ویژه دانش‌آموختگان مدارس اسلامی اهمیت فراوان و مضاعف دارد. در پژوهش‌های انجام شده در کشورمان، عناصر فرهنگی به‌عنوان موضوعی که در تصمیم‌گیری‌های جمعی می‌تواند اثرگذار باشد، کمتر توجه شده است. این مؤلفه‌ها که در بستری اجتماعی شکل می‌گیرد و پرورش می‌یابد، یک‌سوی ضرورت پرداختن به این موضوع را آشکار می‌سازد و سوی دیگر ضرورت پژوهش به وضعیت خاص فرهنگی مدارس اسلامی مربوط می‌گردد که در حوزه مورد نظر پژوهش، به این مدارس پرداخته نشده است. کاستی و نقص در پژوهش‌های این حوزه موجب شد تا محقق ضرورت پژوهش درباره هم‌فرهنگی در میان دانش‌آموختگان مدارس اسلامی شهر تهران را مورد توجه قرار دهد.

بنا بر آنچه بیان شد، در راستای دستیابی و رسیدن به فرهنگ ایرانی اسلامی اصیل، و با توجه به اهمیت و نقش مدارس اسلامی در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری نوجوانان، پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: آیا می‌توان دانش‌آموختگان «مدارس اسلامی» شهر تهران را نسبت به دانش‌آموختگان «سایر مدارس (دولتی، نمونه مردمی و غیردولتی و...)»، به‌عنوان یک گروه «هم‌فرهنگ» به‌شمار آورد که برخوردار از «عناصر فرهنگی مشترک» شامل: «ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری» می‌باشند؟ در صورتی که «دانش‌آموختگان مدارس اسلامی»، یک گروه مشترک به‌شمار می‌آیند، مؤلفه‌ها و عوامل تبیین‌کننده «هم‌فرهنگی» آنان چیست؟

۱. هم‌فرهنگی

هم‌فرهنگی^۵ به فرایندی که در آن اعضای گروه‌های هم‌فرهنگ بر مبنای راهبرد خویش، سبک ارتباطی متفاوتی را برخوردارند، اشاره دارد. در پژوهش‌های صورت گرفته که منتج به پدید آمدن مدل ارتباطی گروه‌های هم‌فرهنگ بر اساس شیوه‌ها و جهت‌گیری‌های ارتباطی اعضای این گروه‌ها گردید؛ تمرکز بر رویکردهای خاصی بود که اعضای گروه هم‌فرهنگ از آن‌ها جهت تعامل و کنش متقابل با اعضای گروه مسلط بهره می‌بردند. این تحقیقات، معطوف به بررسی شیوه‌هایی شد که باعث انتخاب جهت‌گیری‌های خاص و بیش از دیگران، توسط اعضای گروه هم‌فرهنگ می‌شود (Orbe, 2010, p. 37).

هم‌فرهنگی بر پایه تجربیات گروه‌های هم‌فرهنگ بنا نهاده شده و این امر در زمینه‌ای از ارتباطات اجتماعی به وجود می‌آید که کنش‌گران اجتماعی از هم‌فرهنگی برخاسته از تجربه‌های ارتباطات متقابل برای رسیدن به انسجام اجتماعی و دستیابی به جایگاه فرهنگی استفاده نموده و برای هم‌فهمی در گروه هم‌فرهنگ از گفتمان فرهنگی به وجود آمده بهره می‌گیرند. به بیان دیگر، ادغامی از عناصر مختلف فرهنگی منجر به شکل‌گیری فرهنگ حاکم در گروه هم‌فرهنگ شده است. ادغام عناصر فرهنگی طوری به هم آمیخته‌اند که یک کل منسجم فرهنگی را به وجود آورده‌اند و تنها می‌توان تشابهات میان اجزای فرهنگی را با دیگر فرهنگ‌ها پیدا کرد؛ اما کل فرهنگی منطبق بر هیچ‌یک از فرهنگ‌های موجود نیست. در این دیدگاه، گروه‌های هم‌فرهنگ در شرایطی خاص و از میان جماعت‌های موجود در جامعه پدید می‌آیند. «جماعت گروهی از افراد یک جامعه هستند که دارای مجموعه‌ای از اشتراکات خودآگاهانه و دیدگاهی کم‌وبیش منسجم نسبت به گذشته، حال و آینده خود هستند و به همین دلیل با یک نام خاص یا با ضمیر «ما» از خود یاد می‌کنند» (فکوهی، ۱۳۸۷، ص. ۴۵). بر اساس این دیدگاه اعضای گروه‌های هم‌فرهنگ بر مبنای راهبرد خویش، از سبک ارتباطی خاص و متفاوتی برخوردارند. نظریه هم‌فرهنگی بر پایه تجربیات گروه‌های هم‌فرهنگ بنا نهاده شده و این امر خود جلوه بی‌بدیلی به آن داده است. نظریه هم‌فرهنگی بر رویکردهای

خاصی مانند تعامل که منجر به جهت‌گیری‌های خاص و بیش از دیگران، توسط اعضای گروه هم‌فرهنگ می‌شود، دارد (Orbe, 2010, p. 38). در پژوهش حاضر، منظور از هم‌فرهنگی، یک گروه اقلیت و یا گروه مسلط، با هویت مجزا از فرهنگ غالب جامعه نیست بلکه «هم‌فرهنگی» ویژگی‌های فرهنگی مشترک کنش‌گران اجتماعی در نظام ارزشی، هنجاری و رفتاری است که محصول اجتماعی شدن عناصر فرهنگی در آنها است؛ لذا با توجه به عنوان پژوهش، مراد از هم‌فرهنگی صبغه جامعه‌شناختی داشته و عناصری مانند ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری خاص، به عبارت دیگر اشتراکات فرهنگی غالب آن‌ها در جامعه هدف، دانش‌آموختگان مدارس اسلامی، مطمح‌نظر بوده و مورد واکاوی و مذاقه قرار می‌گیرد.

۲. هم‌فرهنگی: برآیند اجتماعی شدن

بر اساس نظریه هم‌فرهنگی، در میان اعضای گروه‌های هم‌فرهنگ، عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی مشترک و به عبارتی مجموعه‌ای از اشتراکات فرهنگی و به‌نوعی «هویت فرهنگی مشترک» به وجود می‌آید که طبعاً ویژگی‌های آن‌ها از سایر گروه‌های اجتماعی متفاوت و متمایز و حاصل جامعه‌پذیری آنها است. از «فرهنگ» تعاریف و تعبیر مختلف و متعددی شده، متشکل از عناصر مختلفی همچون ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری می‌باشد که در فرایند اجتماعی شدن به افراد آموزش داده می‌شود. این آموزش طی فرایندی، از طریق واسطه‌هایی صورت می‌گیرد که به صورت رسمی و غیررسمی در انتقال فرهنگ و همچنین اشتراکات فرهنگی افراد نقش مؤثری دارند. از این رو در پژوهش حاضر هم‌فرهنگی برآیند اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری تلقی شده است.

اجتماعی شدن نوعی فرایند کنش متقابل اجتماعی است که در آن، فرد هنجارها، ارزش‌های اجتماعی، الگوهای رفتاری و دیگر عناصر و مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرامی‌گیرد، آن را درونی و با شخصیت خود، یگانه می‌کند. به نهادها، گروه‌ها یا زمینه‌های اجتماعی که فرایندهای مهم اجتماعی شدن در آنها رخ می‌دهد یا بستر ساز و تسهیل‌کننده این فرایند هستند، به‌عنوان عوامل

اجتماعی شدن یا هم‌فرهنگی اطلاق می‌گردد؛ نظریات و دیدگاه‌های گوناگونی در زمینه تبیین عوامل تأثیرگذار بر فرایند «هم‌فرهنگی و اجتماعی شدن» وجود دارد. جامعه‌پذیری به فرایندی اطلاق می‌شود که فرد آموزش‌های لازم را می‌بیند تا مجموعه رفتارهای مورد تأیید جامعه در وی نهادینه شود و این فرایند از ابتدای کودکی آغاز و تا پایان زندگی ادامه دارد (Thelamour & Mwangi, 2021). این سازه ابزاری برای رسیدن به توافق جمعی میان اعضای جامعه است که از طریق آن افراد شیوه‌ها، ارزش‌ها و نقش‌های اجتماعی را یاد گرفته و هریک از اعضای جامعه دارای هویت مستقلی در ارتباط با دیگران می‌باشد (Kizgin et al., 2019). جامعه‌پذیری افراد جامعه را وادار می‌سازد تا احساس نماید که جزئی از یک اجتماع هستند باید از نمایندگان مردم اطاعت نمایند (Leidner; Gonzalez & Koch, 2018). اجتماعی شدن نوعی فرایند کنش متقابل اجتماعی تعریف می‌شود که طی آن، افراد ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها و سایر مؤلفه‌ها و عناصر اجتماعی و فرهنگی جامعه و محیط اطراف خود را می‌آموزد، آن را درونی و شخصیت خود را با آن‌ها همسو می‌سازد (Toro & Wang, 2021)؛ بنابراین جامعه‌پذیری فرایند فعال، پویا، مداوم، پیچیده و دوسویه است که نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای مناسب اجتماعی را در فرد در یک بافت تعاملی با دیگران نهادینه می‌کند و باعث توسعه و پرورش قوای عقلانی و شناختی در فرد می‌گردد (Quinton, 2020). اجتماعی شدن شامل دو فرایند اصلی است؛ فرایند آشنایی فرد با ارزش‌ها، انتظارها، هنجارها و نقش‌های اجتماعی و درونی کردن آن‌ها و دوم فرایند تعبیر شخصی از آن‌ها می‌باشد (Wang et al., 2019). مبانی جامعه‌شناختی به مبادی، ریشه‌ها، زمینه‌ها، بسترها و عوامل اجتماعی اشاره دارد که از مطالعه علمی رفتار معنادار و نظام‌یافته فرد با گروه به دست می‌آید و نقش مهمی در بسیاری از متغیرها به‌ویژه اجتماعی شدن افراد دارد (Seiffert-Brockmann & Thummes, 2017). اجتماعی شدن بر اساس مبانی جامعه‌شناختی به چگونگی پیوند فرد یا افراد با گروه و جامعه اشاره دارد (Rajesh, 2021). در مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناختی، هریک از دیدگاه خاص خود، به این پدیده نگرسته و آن را تحلیل نموده‌اند؛ چهارچوب نظری پژوهش بر مبنای نظریه پارسونز است.

از نظر پارسونز، کنش اجتماعی و کنش متقابل از عوامل اصلی اجتماعی شدن است. پارسونز کانون مرکزی در فرایند اجتماعی شدن را درونی کردن فرهنگ به‌ویژه در دوران کودکی می‌داند. از دید وی، چنانچه سازمان‌ها و نهادهای مسئول و متولی جامعه‌پذیری مانند خانواده، مدرسه، وسایل ارتباط جمعی و... قادر نبوده و کارایی لازم را نداشته باشند، حیات و پویایی جامعه، نظم و تعادل اجتماعی مورد تهدید قرار گرفته و مختل می‌گردد. از سوی دیگر، در صورتی که نهادهای جامعه‌پذیرکننده به‌درستی قادر به انتقال ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به نسل جدید و هماهنگی لازم باشند، نظم و انسجام اجتماعی حفظ خواهد شد (میرفردی و فرجی، ۱۳۹۳، ص. ۴۷). جامعه‌پذیری فرایندی است که از طریق آن باورها و ارزش‌های فرهنگی و یا به قول دورکیم، وجدان جمعی، در فرد همسان و هم‌نوا با نظام اجتماعی کنش نموده و راه‌های متناسب را برگزیند (تنهایی، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۵). هسته اصلی نظم اجتماعی از دیدگاه پارسونز کم‌وکیف انسجام رفتاری مبتنی بر اصول ارزشی مشترک در جامعه است. پارسونز ابتدا حل مسئله نظم را مشروط به تنظیم روابط میان واحدها بر مبنای اصول ارزشی مشترک که با نهادینه شدن اجتماعی و فرهنگی حاصل می‌شود و سپس با تنظیم هنجار درون واحدی از طریق درونی کردن فرهنگ ممکن می‌داند (چلبی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴). از نظر پارسونز جامعه سیستم است. وظایف کارکردی جامعه، انطباق و سازگاری با محیط، هدف‌جویی یا دست یافتن به هدف، وحدت و هماهنگی، موجودیت‌الگویی است که هر نظام باید در جریان اجتماعی به حفظ و آموزش الگوهای فرهنگی بپردازد و در این بین آموزش و پرورش و خانواده از مهم‌ترین نهاد در انتقال و حفظ ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری هستند.

۳. پیشینه پژوهش

تحقیقات موجود هم‌فرهنگی، مربوط به اقلیت‌های مذهبی و یا قومی در کشورهای مختلف است که ارتباط مشخصی با متغیرهای پژوهش حاضر ندارد. پیشینه پژوهش در زمینه جامعه‌پذیری (اجتماعی شدن) و عوامل آن گردآوری شد که اهم یافته‌های اجمالی تحقیقات داخلی و خارجی به شرح زیر است:

آزاد و رحیمی (۱۴۰۰)، پژوهشی با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جامعه‌پذیری در بین دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهرستان مهر انجام داده و دریافته‌اند بین روابط اجتماعی خانواده‌ها، پذیرش گروه همسالان، مدرسه و نهادهای آموزشی و رسانه‌های همگانی با جامعه‌پذیری افراد مورد مطالعه رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد.

نتیجه پژوهش دهقان، مروت و غفاری (۱۳۹۸)، عبارت است از: تشابه و تضاد در ارزش‌ها و هنجارهای خانواده و مدرسه بر جامعه‌پذیری کودکان تأثیر می‌گذارد. خانواده‌ها بیشتر بر ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و فرهنگی و مدرسه بر ارزش‌ها و هنجارهای مذهبی تأکید دارد.

صدفی و محسنی تبریزی (۱۳۹۲)، در تبیین جامعه‌شناختی جامعه‌پذیری رسانه‌ای بر اساس تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری رسانه‌ای جوانان، بر مبنای مدل‌های پنج‌گانه نظریه ویلبور شرام، دریافته‌اند: طی فرایند جامعه‌پذیری رسانه‌ای، مخاطبان پسر (نسبت به دختران) هم از انگیزش بالایی در پیروی از آگهی‌های تبلیغاتی برخوردارند، و هم گرایش بالایی به آگهی‌های تبلیغاتی دارند. در عین حال میان مخاطبان پسر و دختر از نظر جامعه‌پذیری رسانه‌ای و نیز اقناع رسانه‌ای آگهی‌های تبلیغاتی، ارزش اقتصادی آگهی‌های تبلیغاتی، گزینش آگهی‌های مهم تبلیغاتی، تفاوت معناداری وجود ندارند.

زارع شاه‌آبادی؛ اسدنژاد و تیموری (۱۳۹۹)، در «مقایسه نقش خانواده و مدرسه در جامعه‌پذیری دینی در بین دانش‌آموزان دختر دبیرستانی فیروزآباد»، دریافته‌اند «میانگین جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان بالاتر از متوسط است. بین جامعه‌پذیری دینی و عواملی مانند پایگاه اقتصادی - اجتماعی، سن، پایه تحصیلی، رشته تحصیلی، درآمد، نوع مسکن، نقش الگویی خانواده، سرمایه فرهنگی، نقش معلم، شیوه‌های فرزندپروری، انواع سبک‌های مدیریت، نقش مربی و نقش محتوای کتاب‌های درسی رابطه معناداری وجود دارد؛ اما میان جامعه - پذیری دینی و تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، شغل پدر، شغل مادر و بعد خانوار رابطه معناداری وجود ندارد. به‌طورکلی نقش خانواده در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان بیشتر از مدرسه است».

یافته‌های ذوالفقاری زعفرانی و علی‌نیا (۱۳۹۸)، در «بررسی اثر نهاد خانواده و

مدرسه بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه منطقه رودهن^۶، حاکی از این بود که «بین مؤلفه‌های نهاد خانواده و مدرسه با نوع جامعه‌پذیری دانش‌آموزان تفاوت معنادار وجود دارد. شدت تأثیر نهاد خانواده بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان بیشتر از شدت تأثیر نهاد مدرسه است».

قلعه و علمی (۱۳۹۸)، دریافتند بین عوامل اجتماعی مرتبط با جامعه‌پذیری دینی و سیاسی دانش‌آموزان پسر و دختر متوسطه شهر پارس‌آباد رابطه معناداری وجود دارد. فاتح‌نژاد (۱۳۹۷) در بررسی تأثیر مدرسه در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان، دریافت در میان عوامل مؤثر مدرسه، نقش معلم و فعالیت‌های فوق برنامه از سایر عوامل مهم‌تر است.

قربانی و جمعه‌نیا (۱۳۹۷)، در بررسی نقش عوامل اجتماعی در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان استان گلستان نتیجه گرفتند، بین گروه همسالان، خانواده، مدرسه و جامعه‌پذیری دانش‌آموزان رابطه همبستگی مثبت و معناداری وجود داشت. همچنین بین گروه‌های سنی مختلف و جنس (دختر و پسر)، تفاوت معناداری در جامعه‌پذیری وجود داشت.

اسکاکووا و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان بررسی نقش خانواده در اجتماعی‌شدن کودکان قزاقستان در جامعه نوین نتیجه گرفت، رشد کودک باید در سطوح مناسب از نظر بیولوژیکی، فیزیولوژیکی و روانی باشد.

بلاص و عبدالرحمن (۲۰۲۱)، نقش نهادهای اجتماعی در جامعه‌پذیری با تمرکز بر خانواده، مدرسه، دوستان خانواده و والدین، مدرسه و مربیان، دوستان خوب، به ترتیب نقش مهمی در جامعه‌پذیری کودکان دارند.

رانجیتا^۶ (۲۰۲۱)، با مطالعه تأثیر جامعه اینترنت در جامعه‌پذیری در بین نوجوانان گروه سنی ۱۳-۱۹ سال ۷۹ درصد اغلب از طریق اینترنت استفاده می‌کنند و این بر تعامل آنها با اعضای خانواده و دوستان تأثیر گذاشته است.

دل‌تورو و وانگ^۷ (۲۰۲۱)، روابط متقابل طولی بین جامعه‌پذیری فرهنگی مدرسه و

6. Ranjitha

7. Toro JD, Wang MT

تعامل مدارس در میان نوجوانان و دانش‌آموزان را بررسی کردند. فریزر (۲۰۲۱)، با بررسی جامعه‌پذیری جنسیتی تأثیر پایدار بر رشد و رفاه دختران دارد. تایلان و اُزکان^۸ (۲۰۲۱)، دریافت تجربه مربیان بر جامعه‌پذیری حرفه‌ای مهم است. یافته‌های سوکولوفسکایا و همکاران (۲۰۲۰)، نشان داد تأثیر فعالیت آموزشی و حرفه‌ای در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان سطح توسعه شاخص سرمایه انسانی فردی در گروه کنترل بالاتر است.

مرور و بررسی پیشینه حدود ۸۰ پژوهش داخلی و خارجی جستجو و گردآوری شده، نشان می‌دهد در خصوص هم‌فرهنگی و تفاوت ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری میان دانش‌آموزان و دانش‌آموختگان مدارس اسلامی و سایر مدارس دولتی و غیردولتی، در داخل و خارج از کشور، یافته‌های پژوهشی محدود و اندکی وجود دارد؛ لذا کمبود و خلأ پژوهشی در این زمینه بیش‌ازپیش احساس شده و انجام این پژوهش ضرورت فراوان دارد. تحقیقات انجام شده در خصوص اجتماعی‌شدن، حاکی از تأثیر کم‌وبیش عوامل خانواده و مدرسه بر اجتماعی‌شدن است که بر حسب نوع، موضوع و قلمرو پژوهش انجام شده، متفاوت بوده؛ اما در تمامی آنها اذعان شده، این عوامل بر اجتماعی‌شدن مؤثر بوده است. قابل ذکر است پژوهش‌هایی که همه عوامل را با متغیرها و رویکرد پژوهش حاضر بررسی کرده باشد، اندک است.

۴. فرضیه‌های پژوهش

به نظر می‌رسد، دانش‌آموختگان مدارس اسلامی، نسبت به دانش‌آموختگان سایر مدارس (دولتی، نمونه مردمی، غیردولتی و...) شهر تهران، از هم‌فرهنگی و اشتراک بیشتری در عناصر فرهنگی (شامل: ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری) برخوردار هستند. به نظر می‌رسد، خانواده بر هم‌فرهنگی دانش‌آموختگان مدارس اسلامی شهر تهران، تأثیر معناداری دارد.

به نظر می‌رسد، رسانه‌های جمعی بر هم‌فرهنگی دانش‌آموختگان مدارس اسلامی شهر تهران تأثیر معناداری دارد.

۵. روش شناسی پژوهش

نوع پژوهش حاضر کاربردی و روش آن پیمایشی می‌باشد. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه برخط محقق‌ساخته استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس اسلامی و سایر مدارس (دولتی، غیردولتی، نمونه مردمی، هیئت‌مدیره‌ای و نظایر آن) در شهر تهران که در سه سال اخیر، پایه تحصیلی سال آخر مقطع متوسطه دبیرستان یا هنرستان را به اتمام رسانده، دانش‌آموخته شده‌اند (حدود ۱۰۰ هزار نفر) بودند که با روش نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند از مناطق ۲۲ گانه آموزش و پرورش شهر تهران، تعداد ۳۸۵ نفر دانش‌آموخته مدارس اسلامی و نیز ۳۸۴ نفر از دانش‌آموختگان سایر مدارس شهر تهران، مجموعاً ۷۶۹ نفر مورد آزمون قرار گرفتند. اعتبار پژوهش با روش‌های صوری نظر خبرگان و اعتبار سازه با روش تحلیل عاملی تأییدی و با نرم‌افزار AMOS محاسبه شد.

با عنایت به اینکه دانش‌آموختگان مدارس اسلامی، دارای خانواده مذهبی هستند، طبعاً رویکرد پژوهشگر، ارزش‌ها و هنجارها و الگوهای رفتاری اسلامی است؛ زیرا خانواده‌ها و مدارس اسلامی، در طول ۱۸-۱۹ سال، از پیش‌دبستانی یا اول دبستان تا آخر دوره متوسطه، تلاش کرده‌اند مبانی دینی و اسلامی را به دانش‌آموزان بیاموزند و این‌گونه آنان را اجتماعی نمایند؛ بنابراین منظور از ارزش‌های اجتماعی در پژوهش حاضر، ارزش‌ها، باورها و اعتقادات دینی، اصول و ارکان شیعه است که دانش‌آموختگان مدارس اسلامی طی حدود ۲۰ سال از دوران طفولیت و نوجوانی، از خانواده خود و مدرسه اسلامی آموخته‌اند و عبارت‌اند از: اعتقاد، پذیرش و باور فکری دانش‌آموختگان به موارد زیر: توحید، نبوت، معاد، عدل، امامت، امام زمان (عج)، قرآن مجید. منظور از هنجارهای اجتماعی در پژوهش حاضر پذیرش، تقید به قواعد و چهارچوب دینی و اهم عبادیات و شرعیات شامل موارد: نماز، روزه، پوشش و آرایش ظاهری، صحبت و چت با نامحرم، امانتداری و رعایت حقوق مردم، اطاعت از والدین، توجه به حلال و حرام در رفتار و پرهیز از اعمال خلاف شرع، داشتن صداقت و ارضای تمایلات جنسی در چهارچوب و مقررات دینی است. منظور از الگوهای رفتاری در پژوهش حاضر عبارت است از رفتارهای دینی (اخلاقیات) که شامل موارد

زیر است: عمل به قول و وفای به عهد، گذشت برای رضای خداوند، ترجیح انتخاب دوست از افراد دیندار و مؤمن، الگو گرفتن از افراد دیندار، خوش رفتاری و خلقی، نداشتن حس خود برتری، بدبینی و سوءظن به دیگران، نوشیدن شراب و شنیدن موسیقی حرام. بنابر توضیحات مذکور، در پژوهش حاضر، ارزش‌های اجتماعی از جمع نمرات ۷ گویه فوق، هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری هر یک، از جمع ۹ گویه یادشده حاصل می‌گردد؛ نمره هم‌فرهنگی یا برآیند اجتماعی شدن هر دانش‌آموخته، عبارت است از مجموع نمرات وی در ابعاد ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری (۲۵ گویه).

۶. تحلیل عاملی تأییدی سازه‌های پرسش‌نامه

لازم است قبل از آزمون تحلیل مسیر مدل مفهومی با نرم‌افزار Amos، گویه‌های پرسش‌نامه، به تفکیک هر یک از متغیرهای پژوهش، به لحاظ قابلیت برازش مدل مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرند. در تحلیل عاملی تأییدی محقق تلاش می‌کند بر ساختار عاملی مفروض تأییدی حاصل نماید؛ بدین معنا که تعیین می‌کند داده‌ها با یک ساختار عاملی معین در فرضیه هماهنگ است یا خیر. تحلیل عاملی تأییدی جهت سنجش روایی شاخص‌های یک سازه در پرسش‌نامه نیز استفاده می‌شود تا مشخص گردد، هماهنگی و همسویی لازم بین شاخص‌ها (سؤالات) وجود دارد. به عبارت دیگر، تحلیل عاملی تأییدی ابزاری به منظور سنجش روایی پرسش‌نامه است؛ یعنی پرسش‌نامه چیزی را اندازه‌گیری نماید که برای سنجش آن طراحی و ساخته شده است. کاربرد مهم تحلیل عاملی تأییدی، سنجش برازش مدل، شامل پرسش‌های یک متغیر جهت بررسی میزان تناسب مدل پژوهش با داده‌های جمع‌آوری شده می‌باشد. در واقع تحلیل عاملی تأییدی آزمون این امر مهم است که آیا پرسش‌هایی که برای سنجش متغیر مکنون مربوطه تدوین و طراحی شده، با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده به خوبی توانسته‌اند، متغیر مدنظر محقق را بسنجند یا خیر؟

شش شاخص برازش مدل (کای اسکوئر / درجه آزادی، ریشه میانگین مربعات خطای برآورد، برازش هنجار شده، شاخص برازش مقایسه‌ای یا تطبیقی، شاخص برازش

فزاینده و شاخص‌های نیکویی برآزش) و نیز ضرایب استاندارد شده بارهای عاملی بررسی شده است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی پژوهش حاضر نشان داد، میزان بار عاملی میان‌گویه‌های پرسش‌نامه و متغیرهای مکنون مربوطه، از نظر آماری معنادار بوده و نیاز به تغییر یا حذف سؤالات پرسش‌نامه ندارد. همچنین نتایج شاخص‌های برآزش مدل و مقدار آلفای کرونباخ که برای متغیرها بیش از ۰,۹ برآورد شد، در سطح قابل استناد و مطلوبی قرار دارد؛ لذا با توجه به نتایج حاصله، با احتمال ۹۵ درصد می‌توان اذعان نمود، در واقع پرسش‌نامه همان چیزی را می‌سنجد که مورد نظر محقق می‌باشد.

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه، ابتدا آمار توصیفی ناظر به متغیرهای جمعیت‌شناختی پژوهش شامل جنسیت، سن، رشته تحصیلی، دانش‌آموختگی از مدارس اسلامی یا از سایر مدارس شامل دولتی، غیرانتفاعی، نمونه مردمی، هیئت مدیره‌ای و...، سنوات تحصیل در مدرسه اسلامی، سال دانش‌آموختگی، تحصیلات فعلی، میزان تحصیلات پدران و مادران دانش‌آموختگان مدارس مورد آزمون، منطقه مسکونی و تحصیلی (دبیرستان یا هنرستان) ۲۲ گانه پاسخگویان در کلان‌شهر تهران، بررسی شد؛ برای آزمون فرضیه اصلی پژوهش، از آمار استنباطی و آزمون t با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت؛ سپس برای آزمون فرضیه‌های تبیینی پژوهش، به تفکیک متغیرهای پژوهش از نظر قابلیت برآزش مدل پژوهش و تحلیل مسیر و رگرسیون در قالب الگوی معادلات ساختاری با کمک نرم‌افزار AMOS استفاده شد.

بنا بر آنچه بیان شد، در پژوهش حاضر، مطابق قلمرو موضوعی پژوهش که مدارس اسلامی است، هم‌فرهنگی شامل ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری توسط ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای مذهبی و اسلامی سنجیده شد؛ لذا متغیر وابسته در پژوهش حاضر، هم‌فرهنگی برآیند اجتماعی شدن است که از طریق ارزش‌ها و هنجارها و رفتارهای اسلامی مورد سنجش قرار گرفت.

۷. یافته‌های پژوهش

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها، ابتدا آمار توصیفی ناظر به متغیرهای جمعیت‌شناختی پژوهش بررسی شد؛ برای آزمون فرضیه اصلی پژوهش، از

آمار استنباطی و آزمون t با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت؛ سپس برای آزمون فرضیه‌های تبیینی پژوهش، به تفکیک متغیرهای پژوهش از نظر قابلیت برازش مدل پژوهش و تحلیل مسیر در قالب الگوی معادلات ساختاری با کمک نرم‌افزار AMOS استفاده شد.

۸. یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که دانش‌آموختگان مورد آزمون، از نظر جنسیت: ۵۵ درصد زن و ۴۵ درصد مرد؛ از نظر سن: ۳۳ درصد از آنان ۲۰ ساله، ۳۲ درصد ۱۹ ساله، ۲۸ درصد ۲۱ ساله و ۶ درصد ۱۷ ساله بوده‌اند؛ از حیث رشته دبیرستان: اکثر پاسخگویان شامل ۵۳ درصد علوم انسانی، ۲۲ درصد تجربی و ریاضی و ۳ درصد هنرستان بوده است. ۵۱ درصد از پاسخگویان دانش‌آموخته مدارس اسلامی و ۴۹ درصد از سایر مدارس شامل دولتی، غیرانتفاعی، نمونه مردمی، هیئت مدیره‌ای و... می‌باشند. دانش‌آموختگان مدارس اسلامی: بیشترین میزان یعنی ۴۴ درصد ۱۲ سال، ۲۹ درصد ۶ سال، و کمترین میزان یک درصد ۱۱ سال در مدرسه اسلامی تحصیل کرده‌اند. ۳۵ درصد از پاسخگویان دانش‌آموخته مدارس اسلامی ۳ سال، ۳۳ درصد ۲ سال و ۳۲ درصد یک سال از دانش‌آموختگی آنان می‌گذشته است. ۹۵ درصد از پاسخگویان دانش‌آموخته مدارس اسلامی دانشجو و ۵ درصد دیپلم بوده‌اند. ۴۷ درصد از پدران دانش‌آموختگان مدارس مورد آزمون، مدرک تحصیلی زیردیپلم و دیپلم داشته‌اند، به عبارت دیگر کمتر از نیمی از آنان فاقد تحصیلات عالی بوده‌اند. ۶ درصد فوق دیپلم، ۲۰ درصد کارشناسی، ۱۶ درصد کارشناسی ارشد و ۱۰ درصد تحصیلات دکتری و بالاتر داشته‌اند. همچنین ۱۵ درصد از مادران دانش‌آموختگان مدارس مورد آزمون، مدرک تحصیلی زیردیپلم و ۴۳ درصد دیپلم داشته‌اند، به عبارت دیگر حدود ۶۰ درصد آنان فاقد تحصیلات عالی بوده‌اند. ۶ درصد فوق دیپلم، ۲۲ درصد کارشناسی، ۱۱ درصد کارشناسی ارشد و ۳ درصد تحصیلات دکتری و بالاتر داشته‌اند. از نظر منطقه مسکونی ۲۲ گانه پاسخگویان در کلان‌شهر تهران: بیشتر دانش‌آموختگان مورد آزمون یعنی حدود ۴۰ درصد در مناطق مرکزی تهران شامل مناطق ۱۱ الی ۱۴، سپس ۳۱

درصد در مناطق شمالی ۱ الی ۴، و کمترین میزان یعنی حدود ۱۳ درصد مناطق جنوبی تهران بوده و سایرین در مناطق دیگر سکونت داشته‌اند. از حیث محل دبیرستان پاسخگویان در مناطق ۲۲ گانه کلان شهر تهران، بیشتر دانش‌آموختگان مورد آزمون یعنی ۲۶ درصد در منطقه ۱۲، سپس در مناطق ۱ و ۳ هرکدام ۹ درصد، و سایرین به‌طور پراکنده در دیگر مناطق تهران تحصیل کرده‌اند.

۹. یافته‌های استنباطی

برای بررسی نخستین فرضیه از آزمون t استفاده شد. بر اساس آزمون آماری t -test، تفاوت میانگین نمرات ارزش‌ها بین دو گروه دانش‌آموخته مدارس اسلامی و سایر مدارس (دولتی و غیردولتی): $t = 15/102$ ، تفاوت میانگین نمرات هنجارها بین دو گروه دانش‌آموخته: $t = 34/357$ ، تفاوت میانگین نمرات الگوهای رفتاری بین دو گروه دانش‌آموخته: $t = 10/509$ و تفاوت میانگین نمرات کل آنها یعنی هم‌فرهنگی بین دو گروه دانش‌آموخته مدارس اسلامی و سایر مدارس (دولتی و غیردولتی): $t = 24/699$ در سطح معناداری $= 0/000$ است؛ لذا باتوجه به نتایج حاصله از آزمون تی، می‌توان اذعان نمود، از نظر آماری وجود تفاوت در میانگین نمرات ارزش‌ها، هنجارها و رفتارها و نهایتاً میانگین نمرات هم‌فرهنگی در بین دو گروه دانش‌آموختگان، در سطح اطمینان ۹۹ درصد روشن و معنادار است؛ لذا نخستین فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌گردد و می‌توان اذعان نمود، دانش‌آموختگان مدارس اسلامی، نسبت به دانش‌آموختگان سایر مدارس (دولتی و غیردولتی) شهر تهران، از هم‌فرهنگی و اشتراک بیشتری در عناصر فرهنگی (ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری) برخوردار هستند.

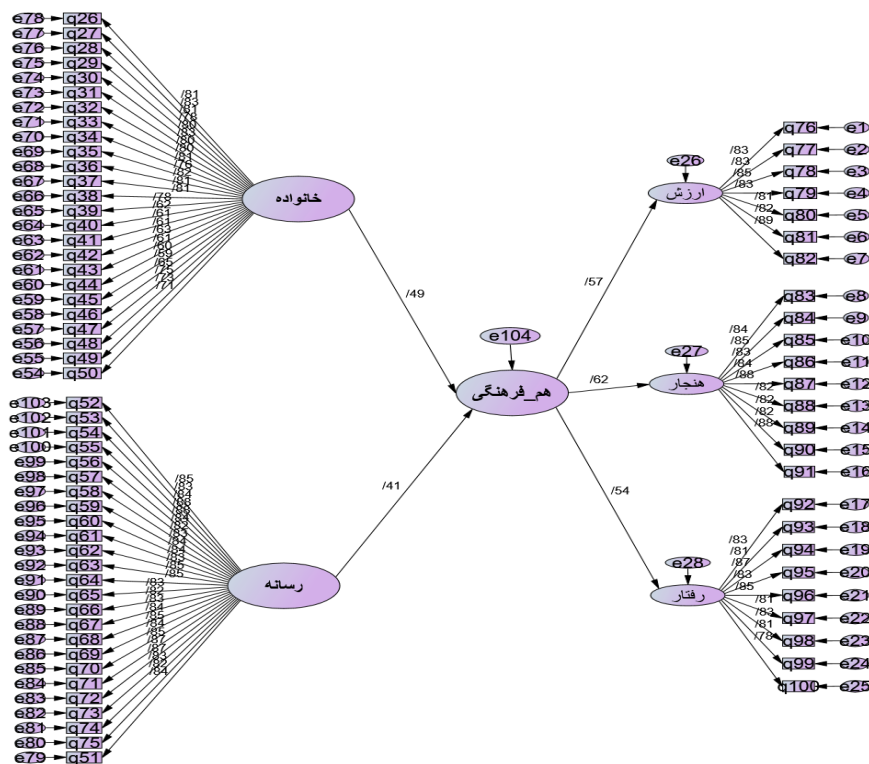
پس از بررسی مناسب ابزار اندازه‌گیری با تکنیک تحلیل عاملی تأییدی، در این بخش از پژوهش با استفاده از تحلیل مسیر به بررسی فرضیات مطرح شده پرداخته می‌شود. مدلسازی معادلات ساختاری یکی از روش‌های پیچیده آماری است که این امکان را ایجاد نموده که بتوان تأثیر هم‌زمان چند متغیر بر یکدیگر را بررسی نمود. در این پژوهش تأثیر متغیرهای خانواده و رسانه بر هم‌فرهنگی دانش‌آموزان مدارس اسلامی شهر تهران بررسی شد.

پیش از تأیید روابط ساختاری، می‌بایست ابتدا از تناسب و برازش مطلوب مدل اطمینان حاصل گردد. همان‌گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد، در مدل پژوهش مقدار «کای دو» با درجه آزادی ۲,۷۹۲ و کمتر از ۳ است. همچنین مقدار جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) با ۰,۰۷۰ برابر و کمتر از ۰,۰۸ است. شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص برازندگی افزایشی (IFI) به ترتیب برابر با ۰,۹۱، ۰,۸۷ و ۰,۹۱ بوده و همگی در حد مطلوب قرار دارند؛ بنابراین مدل برازش خوبی را نشان داده و مورد تأیید است.

جدول (۱): نتایج شاخص‌های برازش مدل مفهومی پژوهش

GFI>0.8	IFI>0.9	CFI>0.9	RMSEA<0.08	$\chi^2/df < 3$
۰,۹۱	۰,۹۱	۰,۸۷	۰,۰۷۰	۲,۷۹۲

مدل زیر تأثیر متغیرهای خانواده و رسانه بر هم‌فرهنگی مدارس اسلامی و سایر مدارس شهر تهران بر اساس ضرایب مسیر استاندارد شده را نشان می‌دهد.



شکل (۱): مدل پژوهش در حالت ضرایب مسیر استاندارد شده

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد، خانواده بر هم‌فرهنگی دانش‌آموختگان مدارس اسلامی، نسبت به سایر مدارس شهر تهران، تأثیر معناداری دارد.

جدول (۲): نتایج حاصل از بررسی تأثیر خانواده بر هم‌فرهنگی

نتیجه	ضریب مسیر استاندارد	سطح معناداری	مقدار بحرانی (CR)	فرضیه دوم	
تأیید شد	۰,۴۹۰	۰,۰۰۰	۶,۰۴۱	خانواده ← هم‌فرهنگی	مدارس اسلامی
رد شد	۰,۰۷۰	۰,۲۷۲	۱,۰۹۸	خانواده ← هم‌فرهنگی	سایر مدارس

همان‌طور که در جدول بالا ملاحظه می‌گردد:

۱- در مدارس اسلامی: مقدار آماره بحرانی (CR) بین خانواده و هم‌فرهنگی از حد

مرزی ۱,۹۶ بیشتر شده و همچنین سطح معناداری آزمون در این خصوص برابر با ۰,۰۰۰ و کمتر از ۰,۰۵ محاسبه شده است؛ بنابراین می‌توان اظهار نظر کرد که وجود تأثیر خانواده بر هم‌فرهنگی با احتمال ۹۵ درصد تأیید می‌شود. چون ضریب مسیر استاندارد بین این دو متغیر مثبت و برابر ۰,۴۹۰ به دست آمده است، می‌توان گفت که با افزایش یک انحراف استاندارد در خانواده شاهد افزایش در هم‌فرهنگی به اندازه ۰,۴۹۰ انحراف استاندارد خواهیم بود؛ بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم تأثیر بین دو متغیر مذکور رد می‌شود و فرض ۱ مبنی بر وجود اثرگذاری خانواده بر هم‌فرهنگی دانش‌آموختگان مدارس اسلامی شهر تهران پذیرفته می‌شود.

۲- در سایر مدارس: مقدار آماره بحرانی (CR) بین خانواده و هم‌فرهنگی از حد مرزی ۱,۹۶ کمتر شده و همچنین سطح معناداری آزمون در این خصوص برابر با ۰,۲۷۲ و بیشتر از ۰,۰۵ محاسبه شده است؛ بنابراین می‌توان اظهار نظر کرد که وجود تأثیر خانواده بر هم‌فرهنگی با احتمال ۹۵ درصد رد می‌شود؛ بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم تأثیر بین دو متغیر مذکور پذیرفته می‌شود و فرض ۱ مبنی بر وجود اثرگذاری خانواده بر هم‌فرهنگی دانش‌آموختگان سایر مدارس شهر تهران رد می‌شود. فرضیه سوم: به نظر می‌رسد، رسانه‌های جمعی بر هم‌فرهنگی دانش‌آموختگان مدارس اسلامی شهر تهران تأثیر معناداری دارد.

جدول (۳): نتایج حاصل از بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی بر هم‌فرهنگی

نتیجه	ضریب مسیر استاندارد	سطح معناداری	مقدار بحرانی (CR)	فرضیه سوم	
تأیید شد	۰,۴۰۹	۰,۰۰۰	۵,۵۷۷	رسانه‌های جمعی ← هم‌فرهنگی	مدارس اسلامی
تأیید شد	۰,۵۱۲	۰,۰۰۰	۶,۰۰۶	رسانه‌های جمعی ← هم‌فرهنگی	سایر مدارس

همان طور که در جدول بالا ملاحظه می‌گردد:

۱- در مدارس اسلامی: مقدار آماره بحرانی (CR) بین رسانه‌های جمعی و هم‌فرهنگی

از حد مرزی ۱,۹۶ بیشتر شده و همچنین سطح معناداری آزمون در این خصوص برابر با ۰,۰۰۰ و کمتر از ۰,۰۵ محاسبه شده است؛ بنابراین می‌توان اظهارنظر کرد که وجود تأثیر رسانه‌های جمعی بر هم‌فرهنگی با احتمال ۹۵ درصد تأیید می‌شود. چون ضریب مسیر استاندارد بین این دو متغیر مثبت و برابر ۰,۴۰۹، به دست آمده است، می‌توان گفت که با افزایش یک انحراف استاندارد در رسانه‌های جمعی شاهد افزایش در هم‌فرهنگی به اندازه ۰,۴۰۹ انحراف استاندارد خواهیم بود؛ بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم تأثیر بین دو متغیر مذکور رد می‌شود و فرض ۱ مبنی بر وجود اثرگذاری رسانه‌های جمعی بر هم‌فرهنگی دانش‌آموختگان مدارس اسلامی شهر تهران پذیرفته می‌شود.

۲- در سایر مدارس: مقدار آماره بحرانی (CR) بین رسانه‌های جمعی و هم‌فرهنگی از حد مرزی ۱,۹۶ بیشتر شده و همچنین سطح معناداری آزمون در این خصوص برابر با ۰,۰۰۰ و کمتر از ۰,۰۵ محاسبه شده است؛ بنابراین می‌توان اظهارنظر کرد که وجود تأثیر رسانه‌های جمعی بر هم‌فرهنگی با احتمال ۹۵ درصد تأیید می‌شود. چون ضریب مسیر استاندارد بین این دو متغیر مثبت و برابر ۰,۵۱۲، به دست آمده است، می‌توان گفت که با افزایش یک انحراف استاندارد در رسانه‌های جمعی شاهد افزایش در هم‌فرهنگی به اندازه ۰,۵۱۲ انحراف استاندارد خواهیم بود؛ بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم تأثیر بین دو متغیر مذکور رد می‌شود و فرض ۱ مبنی بر وجود اثرگذاری رسانه‌های جمعی بر هم‌فرهنگی دانش‌آموختگان سایر مدارس شهر تهران پذیرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد، میزان و چگونگی هم‌فرهنگی دانش‌آموختگان مدارس اسلامی شهر تهران، نسبت به سایر مدارس و دستیابی به عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر هم‌فرهنگی دانش‌آموختگان، شامل: خانواده و رسانه بررسی و شناسایی گردد. بر این اساس، با مروری بر پیشینه پژوهش و مبانی نظری، برای محاسبه هم‌فرهنگی میان دانش‌آموختگان مدارس اسلامی و سایر مدارس، نمرات ارزش، هنجار و رفتار آنان، با هم جمع و به‌عنوان هم‌فرهنگی تلقی و با یکدیگر مقایسه شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که دانش‌آموختگان مدارس اسلامی شهر تهران نسبت به

دانش‌آموختگان سایر مدارس را می‌توان به‌عنوان یک گروه هم‌فرهنگ برخوردار از عناصر فرهنگی مشترک شامل: ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری، به‌شمار آورد. بر اساس آزمون آماری t-test می‌توان اذعان داشت، تفاوت میانگین نمرات ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها و مجموع آنها که به‌عنوان هم‌فرهنگی تلقی شده، در میان دانش‌آموختگان مدارس اسلامی نسبت به سایر مدارس، معنادار است؛ لذا نخستین فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌گردد. این نتیجه، با وجود اختلاف معنادار و مشهود در میانگین نمرات ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها و مجموع آنها که به‌عنوان هم‌فرهنگی تلقی شده، در میان دانش‌آموختگان مدارس اسلامی نسبت به دانش‌آموختگان سایر مدارس شهر تهران، بر اساس مباحث مطروحه در مبانی و چهارچوب نظری پژوهش، و نظریه‌های مطروحه اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری مذکور، قابل پیش‌بینی بوده است؛ زیرا دانش‌آموختگان مذکور طی کم‌وبیش، ۱۸-۱۹ سال تحت تعالیم اسلامی بوده‌اند. انتظار همین است که دانش‌آموختگانی که از طفولیت در خانواده مذهبی پرورش یافته و در طول تحصیل خود، برای ثبت‌نام در بدو ورود به مدرسه، یکایک دانش‌آموزان و نیز والدین آنها، به تفکیک، با آزمون و مصاحبه هدفمند، از نظر نگرشی و ارزشی، ظواهر و رفتار مذهبی، با دقت کامل گزینش می‌شوند، با دانش‌آموختگان سایر مدارس از لحاظ ارزش‌ها و هنجارها و الگوهای رفتاری، تفاوت داشته باشند. لازم به یادآوری است، یافته‌های پژوهشی مشابهی در ایران و سایر کشورهای اسلامی و غربی یافت نشد که بتوان مقایسه نمود و پژوهش حاضر برای اولین بار صورت می‌گیرد.

همان‌گونه که در مبانی نظری بیان شد، جامعه‌شناسان، از جمله پارسونز، معتقدند کانون مرکزی در فرایند اجتماعی شدن، «درونی‌شدن» فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارها و الگوهای رفتاری، به‌ویژه در دوران کودکی است. از دید آنها، در صورتی که نهادهای جامعه‌پذیرکننده، همچون خانواده و مدرسه، فرایند جامعه‌پذیری را به نسل جدید، از طریق درونی و نهادینه‌سازی انجام دهند، و یا به قول دورکیم، وجدان جمعی، در فرد همسان و هم‌نوا با نظام اجتماعی گردد، امر انتقال ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای اجتماعی به کودکان و نوجوانان به‌درستی صورت می‌پذیرد. هسته اصلی نظم اجتماعی از دیدگاه پارسونز میزان و چگونگی انسجام رفتاری مبتنی بر اصول ارزش‌ها و

هنجارهای مشترک در جامعه است که از طریق نهادینه و درونی کردن عناصر فرهنگی ممکن می‌داند. هر نظام باید در فرایند اجتماعی شدن به حفظ، آموزش و انتقال عناصر اجتماعی و الگوهای رفتاری بپردازد و در این میان مدرسه و خانواده از مهم‌ترین نهادها و مؤلفه‌ها در حفظ و انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری هستند؛ لذا یافته اصلی پژوهش حاضر حاکی از آن است که در میان دانش‌آموختگان مدارس اسلامی، نسبت به دانش‌آموختگان سایر مدارس شهر تهران، از نظر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری، هم‌فرهنگی وجود دارد.

عوامل مهم هم‌فرهنگی دانش‌آموختگان مدارس اسلامی در پژوهش حاضر دو عامل خانواده و رسانه بوده است؛ اولین عامل هم‌فرهنگی و اجتماعی شدن، خانواده است. خانواده اولین نهاد اجتماعی است که فرد در آن وارد می‌شود و ابتدایی‌ترین آموزش‌ها در این سیستم اجتماعی که دارای نقش‌های محدودی است، رخ می‌دهد. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که «خانواده» بر هم‌فرهنگی (ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری) دانش‌آموختگان مدارس اسلامی شهر تهران اثر دارد؛ لذا صحت این فرضیه مورد تأیید واقع شد. بدین صورت که عامل خانواده در میزان هم‌فرهنگی دانش‌آموختگان مدارس اسلامی اثر دارد؛ لذا دومین فرضیه تبیینی پژوهش تأیید می‌گردد. این یافته، با اثر عامل خانواده بر ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها و مجموع آنها که به‌عنوان هم‌فرهنگی تلقی شده، در میان دانش‌آموختگان مدارس اسلامی نسبت به دانش‌آموختگان سایر مدارس شهر تهران که نشانگر همراهی و همسویی و وحدت رویه خانواده با مدرسه در اجتماعی‌نمودن دانش‌آموختگان است؛ بر اساس مباحث مذکور و نظریه‌های و جامعه‌پذیری مطروحه در مبانی و چهارچوب نظری پژوهش، قابل پیش‌بینی بوده است. نظریه‌های افرادی همچون پارسونز، گیدنز، بلومر و بوردیو و کولی و بامریند در این خصوص مؤید این یافته است. خانواده در این پژوهش ۴۹ درصد پیش‌بینی‌کننده هم‌فرهنگی دانش‌آموختگان مدارس اسلامی است.

با نگاهی به پیشینه پژوهش مشخص می‌گردد که این نتیجه، مطابق یافته‌های حاصله در تحقیقات آزاد و رحیمی (۱۴۰۰)، دهقان و همکاران (۱۳۹۹)، زارع شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸)، ذوالفقاری زعفرانی و علی‌نیا (۱۳۹۸) (می‌توان گفت که شدت تأثیر

نهاد خانواده بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان بیشتر از شدت تأثیر نهاد مدرسه است)، قلعه و علمی (۱۳۹۸)، قربانی و جمعه‌نیا (۱۳۹۷)، اسکاکوا و همکاران (۲۰۲۱)، رانجیتا (۲۰۲۱)، نجلاء و وقیع‌الله (۲۰۲۱)، دل‌تورو و وانگ (۲۰۲۱)، فریزر (۲۰۲۱)، تایلان و اُزکان (۲۰۲۱)، سوکولوفسکایا و همکاران (۲۰۲۰) مبنی بر تأثیر عامل خانواده در اجتماعی‌شدن هم‌خوانی دارد و پژوهش‌ناهم‌خوان با نتیجه یادشده یافت نشد.

همان‌گونه که در مبانی نظری تشریح گردید، دومین عامل هم‌فرهنگی و اجتماعی شدن، رسانه است. نتایج حاکی از آن است که «رسانه‌های جمعی» بر هم‌فرهنگی (ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری) دانش‌آموختگان مدارس اسلامی شهر تهران اثر دارد؛ لذا صحت این فرضیه مورد تأیید واقع شد. بدین معنا که تأثیر رسانه‌های جمعی، در میزان هم‌فرهنگی دانش‌آموختگان مدارس اسلامی تأیید می‌گردد. این یافته، با اثر عامل رسانه بر ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها و مجموع آنها که به‌عنوان هم‌فرهنگی تلقی شده، در میان دانش‌آموختگان مدارس اسلامی نسبت به دانش‌آموختگان سایر مدارس شهر تهران، بر اساس مباحث مذکور و نظریه‌های اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری مطروحه در مبانی و چهارچوب نظری پژوهش، قابل پیش‌بینی بوده است. با نگاهی به پیشینه پژوهش مشخص می‌شود که نتیجه مذکور، مطابق با یافته‌های آزاد و رحیمی (۱۴۰۰)، صدفی و محسنی تبریزی (۱۳۹۹)، قلعه و علمی (۱۳۹۸)، راسخ و همکاران (۱۳۹۷)، رانجیتا (۲۰۲۱)، اسکاکوا و همکاران (۲۰۲۱)، رانجیتا (۲۰۲۱)، نجلاء و وقیع‌الله (۲۰۲۱)، دل‌تورو و وانگ (۲۰۲۱)، فریزر (۲۰۲۱)، تایلان و اُزکان (۲۰۲۱)، سوکولوفسکایا و همکاران (۲۰۲۰) می‌باشد. در تحقیق حاضر، رسانه ۴۱ درصد پیش‌بینی‌کننده هم‌فرهنگی دانش‌آموختگان مدارس اسلامی است.

لازم به ذکر است که در میان دانش‌آموختگان سایر مدارس نیز رسانه به‌عنوان عامل مؤثری معنادار است؛ این یافته به‌دلیل نفوذ و اهمیت رسانه در جامعه امروزی بر می‌گردد و ناشی از گسترش بسیار رسانه در بین افراد جامعه از جمله دانش‌آموختگان مدارس است؛ در این میان گستردگی همه‌گیری کرونا در چند سال اخیر و لزوم استفاده دانش‌آموزان از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی قابل توجیه است.

در نتیجه‌گیری و جمع‌بندی یافته‌ها و نتایج پژوهش می‌توان نگاهی دوباره به نظریه پارسونز داشته باشیم. همان‌گونه که قبلاً در مبانی و چهارچوب نظری ذکر شد، از دید پارسونز، نهادها و سازمان‌های اجتماعی عوامل اجرایی و ابزارهای جامعه‌پذیری الگوهای رفتاری و درونی ساختن آن‌ها در افراد هستند. در صورتی که نهادها و سازمان‌های کارگزار جامعه‌پذیری نظیر خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کارایی لازم را نداشته باشند، جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی گردیده و پیامد آن شیوع رفتار انحرافی در جامعه است. پارسونز بر اهمیت خانواده، مدرسه و رسانه بر حفظ ثبات جامعه و سلامت افراد تأکید می‌کند و روی کارکردهای مثبت آنها در جامعه‌پذیری، تعیین پایگاه اجتماعی، حمایت عاطفی و تأمین عشق و محبت و امنیت فرد تأکید می‌کند. به عقیده وی هنگامی جامعه‌پذیری مناسب رخ می‌دهد که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری در افراد درونی گردد.

در پژوهش حاضر، مشخص گردید، ضمن تأثیر خانواده و رسانه بر هم‌فرهنگی دانش‌آموزان و دانش‌آموختگان مدارس اسلامی، آموزش‌ها و تعالیم مدارس اسلامی، در دانش‌آموختگان درونی شده به نحوی که پس از اتمام دوره تحصیل و بدون فشار و ترس از مدرسه و معلم، حداقل تا سه سال، کاملاً تداوم داشته، دانش‌آموختگان از هم‌فرهنگی و اشتراک معنادار عناصر فرهنگی شامل ارزش‌ها هنجارها و الگوهای رفتاری دینی برخوردارند. بدین ترتیب تلاش‌های این‌گونه مدارس، علی‌رغم همه حمله‌ها و دگرگونی‌های فرهنگی موجود، نسبتاً ثبات دارد و تفاوت آنها با سایر دانش‌آموختگان کاملاً مشهود و عینی و معنادار است. ایشان از یک اشتراک معنادار فرهنگی برخوردارند.

پیشنهادها

- ۱- اجرا و تکرار پژوهش حاضر در سایر شهرها و استان‌ها و در سطح ملی، با امکانات بیشتر و بهتر؛
- ۲- تقویت نقاط مثبت مدارس اسلامی و برطرف نمودن نقاط ضعف برای حفظ روند مثبت تعالیم دینی؛
- ۳- محقق در انجام این پژوهش محدودیت شدید دوران کرونا را داشت؛ لذا

پرسش‌نامه‌ها به صورت برخط اجرا شد. می‌توان با حفظ شرایط و حریم خصوصی دانش‌آموزان و دانش‌آموختگان به صورت حضوری هم اجرا نمود؛

۴- پیشنهاد دیگر به کلیه اساتید و محققان ارجمند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و تعلیم و تربیت، جهت سنجش و درنهایت قضاوت یکسان و مناسب ارزش‌ها و هنجارها و رفتارهای دینی دانش‌آموزان و دانش‌آموختگان، ساخت و نرم‌کردن یک مقیاس دین‌داری متناسب با فرهنگ و دین مبین اسلام مورد پذیرش همگان است؛ و

۵- در دوران پس از انقلاب اسلامی، مدارس اسلامی گسترش فراوان یافته؛ اما در این حوزه تحقیقات کافی انجام نگرفته است. پیشنهاد دیگر محقق انجام تحقیقات در حوزه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی مربوطه در این‌گونه مدارس است.

کتابنامه

- آزاد، پیمان و رحیمی، حسین (۱۴۰۰). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه اول شهرستان مهر. چهارمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی، حقوق و فرهنگ عامه، تهران.
- بلاص، نجلاء و عبدالرحمن وقیع‌الله (۲۰۲۱). *التغیر فی ادوار مؤسسات المجتمع فی التنشئة الاجتماعية بالتركيز علی (الاسره - المدرسه - الاصدقاء)*. University of Gezira. ۴۱، ۶۷، ۳۵، ۳۶.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۹۳). *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*. مشهد: مرندیز.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نی.
- دهقان، حسین؛ مروت، برزو و غفاری، زهرا (۱۳۹۸). تشابه و تضاد ارزش‌ها و هنجارهای نهاد خانواده و مدرسه و تأثیر آن بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان. *خانواده و پژوهش*، ۱۶(۴)، ۶۴-۷۱.
- ذوالفقاری زعفرانی، رشید و علی‌نیا، علیرضا (۱۳۸۹). بررسی تأثیر نهاد خانواده و مدرسه بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه منطقه رودهن. *پژوهش اجتماعی*، ۳(۸)، ۱۶۷-۱۶۴.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ اسدنژاد، فرزانه و تیموری، فاطمه (۱۳۹۹). مقایسه نقش خانواده و مدرسه در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه فیروزآباد. *فصلنامه علمی تربیت اسلامی*، ۱۵(۳۲)، ۹۳-۱۱۶.

صدفی، ذبیح‌اله و محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۲). تبیین جامعه‌شناختی جامعه‌پذیری رسانه‌ای. *مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۲(۳)، ۱۰۱-۱۲۹.

علاقه‌بند، علی (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: نشر روان.

فاتح‌نژاد، کورش (۱۳۹۷). نقش مدرسه در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان. سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری و حسابرسی پویا، تهران.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۷). *مبانی انسان‌شناسی*. تهران: نی.

قربانی، علیرضا و جمعه‌نیا، سکینه (۱۳۹۷). نقش عوامل اجتماعی (خانواده، مدرسه و گروه همسالان) در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان استان گلستان. *جامعه‌شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)*، ۲۹(۲)، ۱۱۳-۱۲۸.

قلعه، رحیمه و علمی، محمود (۱۳۹۸). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با جامعه‌پذیری دینی و سیاسی دانش‌آموزان متوسطه شهر پارس‌آباد. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۱۲(۴۵)، ۱۰۵-۱۲۲.

میرفردی، اصغر و فرجی، فروغ (۱۳۹۳). بررسی رابطه عوامل جامعه‌پذیری (خانواده و رسانه‌های جمعی) و میزان گرایش به قانون‌گریزی (مورد مطالعه: شهر یاسوج). *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، سال نهم، (۱۲)، ۴۱-۶۸.

- Frazier, Kathryn E. (2021). *Gender Socialization of Girls: Reference Module in Biomedical Sciences*.
- Kizgin, H.; Jamal, A.; Rana, N.; Dwivedi, Y. & Weerakkody, V. (2019). The impact of social networking sites on socialization and political engagement: Role of acculturation. *Technological Forecasting and Social Change*, (145), 503-512.
- Leidner, DE.; Gonzalez, E. & Koch, H. (2018). An affordance perspective of enterprise social media and organizational socialization. *The Journal of Strategic Information Systems*, 27(2), 117-138.
- Orbe, M. (2010), A Co-cultural communication approach to intergroup relations. *Journal of Intergroup Relations*, (24), 36-49.
- Quinton WJ. (2020). So close and yet so far? Predictors of international students' socialization with host nationals. *International Journal of Intercultural Relations*, (74), 7-16.
- Rajesh KP. (2021). Social movement studies in India, within and beyond sociology: Proposing postcolonial political sociology as an evolving framework. *Asian Journal of Social Science*, 49(1): 1-8.
- Ranjitha, M. (2021). Study on Effect of Internet community in Socialization among Teenagers. *Turkish Journal of Computer and Mathematics Education (TURCOMAT)*, 12(11).
- Seçil Taylan İlknur Özkan (2021). The effect of instructors' clinical experience on professional socialization from the perspective of nursing students: A phenomenological qualitative study. *Nurse Education Today*, (99), 104797.

- Seiffert-Brockmann J. & Thummes, K. (2017). Self-deception in public relations. A psychological and sociological approach to the challenge of conflicting expectations. *Public Relations Review*, 43(1): 133-144.
- Skakova, Aigul (2021). Socialization of Children in Kazakhstan. *DEGRES*, 20(1), 134-145.
- Sokolovskaya, Irina E . Sergey A. Polevoy, Mikhail N. Mikhaylovsky, Larisa E. Zotova, Yuliya V. azhdanova. Eleonora V. Egorova (2020). *The influence of educational and professional activity on the socialization of students*. Russian State Social University, Moscow, Russia.
- Szkody E.; Steele EH. & McKinney C. (2020). Links between parental socialization of coping on affect: Mediation by emotion regulation and social exclusion. *Journal of Adolescence*, (80), 60-72.
- Taylan, Secil & Özkan, İlknur (2021). The effect of instructors' clinical experience on professional socialization from the perspective of nursing students: A phenomenological qualitative study: *Nurse Education Today*, (99), 104797.
- Thelamour, B. & Mwangi, CAG. (2021). "I disagreed with a lot of values": Exploring Black immigrant agency in ethnic-racial socialization. *International Journal of Intercultural Relations*, (85), 26-36.
- Toro, JD. & Wang, MT. (2021). Longitudinal inter-relations between school cultural socialization and school engagement: The mediating role of school climate. *Learning and Instruction*, (75), 1-12.
- Wang, M.; Liang, Y.; Zhou, N. & Zou, H. (2019). Chinese fathers' emotion socialization profiles and adolescents' emotion regulation. *Personality and Individual Differences*, (137), 33-38.

References

- Alaheband, Ali (2018). *Sociology of education*, Tehran: Rawan Publishing, sixty-second edition. (In Persian)
- Azad, Peyman & Rahimi, Hossein (1400). Study of social factors affecting the socialization of male students in Mehr city's first high school. The Fourth International Conference on Social Studies, Law and Popular Culture, Tehran. (In Persian)
- Barzekar, Mustafa, Jalali, Reza and Bagheri, Siamak. (1400). A comparative study of the impact of virtual social networks and family on students' political socialization. *Islamic Politics Research*, 9(20), 252-279.
- Chalabi, Masoud (2010). *Sociology of Order, Explanation and Theoretical Analysis of Social Order*, Tehran: Ney, Fourth Edition. (In Persian)
- Dehghan, Hossein; Marwat, Borzo & Ghaffari, Zahra (2019). Similarities and contrasts of values and norms of family and school institutions and their impact on students' socialization. *Family and Research*, 16(4), 41-64. (In Persian)
- Fakouhi, Naser (2008). *Fundamentals of Anthropology*, Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Fatehnejad, Kourosh (2018). The role of school in religious socialization of

- students, Third International Conference on Management, Accounting and Auditing, Tehran. (In Persian)
- Frazier, Kathryn E. (2021). *Gender Socialization of Girls: Reference Module in Biomedical Sciences*.
- Ghorbani, Alireza & Jumnia, Sakineh (2018). The role of social factors (family, school and peer group) in the socialization of students in Golestan province. *Applied Sociology (Research Journal of Humanities, University of Isfahan)*, 29(2), 113-128. (In Persian)
- Kizgin, H.; Jamal, A.; Rana, N.; Dwivedi, Y. & Weerakkody, V. (2019). The impact of social networking sites on socialization and political engagement: Role of acculturation. *Technological Forecasting and Social Change*, (145), 503-512.
- Leidner, DE.; Gonzalez, E. & Koch, H. (2018). An affordance perspective of enterprise social media and organizational socialization. *The Journal of Strategic Information Systems*, 27(2), 117-138.
- Mirfardi, Asghar & Faraji, Forough (2014). Investigating the relationship between socialization factors (family and mass media) and the level of tendency to lawlessness (case study: Yasuj city), *Socio-Cultural Strategy*, Year 9, (12), 41-68. (In Persian)
- Orbe, M. (2010), A Co-cultural communication approach to intergroup relations. *Journal of Intergroup Relations*, (24), 36-49.
- Qaleh, Rahimeh & Elmi, Mahmoud (2019). Investigating social factors related to religious and political socialization of high school students in Parsabad city. *Sociological Studies*, 12(45), 105-122. (In Persian)
- Quinton WJ. (2020). So close and yet so far? Predictors of international students' socialization with host nationals. *International Journal of Intercultural Relations*, (74), 7-16.
- Rajesh KP. (2021). Social movement studies in India, within and beyond sociology: Proposing postcolonial political sociology as an evolving framework. *Asian Journal of Social Science*, 49(1): 1-8.
- Ranjitha, M. (2021). Study on Effect of Internet community in Socialization among Teenagers. *Turkish Journal of Computer and Mathematics Education (TURCOMAT)*, 12(11).
- Rasekh, K.; Ghorbani, A. & Mahuri, M. (2019). The impact of educational environment and mass media on political socialization of students in Shiraz University. *Bi-quarterly Journal of Political Knowledge*, 15(1), 81-101. (In Persian)
- Sadaf, Zabihollah & Mohseni Tabrizi, Alireza (2013). Sociological explanation of media socialization. *Socio-cultural development studies*, 2(3), 101-129. (In Persian)
- Seçil Taylan İlknur Özkan (2021). The effect of instructors' clinical experience on professional socialization from the perspective of nursing students: A phenomenological qualitative study: *Nurse Education Today*, (99), 104797.
- Seiffert-Brockmann J. & Thummes, K. (2017). Self-deception in public relations. A psychological and sociological approach to the challenge of conflicting expectations. *Public Relations Review*, 43(1): 133-144.

- Skakova, Aigul (2021). Socialization of Children in Kazakhstan. *DEGRES*, 20(1), 134-145.
- Sokolovskaya, Irina E . Sergey A. Polevoy, Mikhail N. Mikhaylovsky, Larisa E. Zotova, Yuliya V. azhdanova. Eleonora V. Egorova (2020). *The influence of educational and professional activity on the socialization of students*. Russian State Social University, Moscow, Russia.
- Szkody E.; Steele EH. & McKinney C. (2020). Links between parental socialization of coping on affect: Mediation by emotion regulation and social exclusion. *Journal of Adolescence*, (80), 60-72.
- Tanhay, Hossein Abolhassan (2014). *An Introduction to Schools and Theories of Sociology*, Mashhad: Marandiz Publishing, Seventh Edition. (In Persian)
- Taylan, Secil & Özkan, İlknur (2021). The effect of instructors' clinical experience on professional socialization from the perspective of nursing students: A phenomenological qualitative study: *Nurse Education Today*, (99), 104797.
- Thelamour, B. & Mwangi, CAG. (2021). "I disagreed with a lot of values": Exploring Black immigrant agency in ethnic-racial socialization. *International Journal of Intercultural Relations*, (85), 26-36.
- Toro, JD. & Wang, MT. (2021). Longitudinal inter-relations between school cultural socialization and school engagement: The mediating role of school climate. *Learning and Instruction*, (75), 1-12.
- Wang, M.; Liang, Y.; Zhou, N. & Zou, H. (2019). Chinese fathers' emotion socialization profiles and adolescents' emotion regulation. *Personality and Individual Differences*, (137), 33-38.
- Zare Shahabadi, Akbar; Asdanjad, Farzaneh & Teymouri, Fatemeh (2019). Comparing the role of family and school in the religious socialization of female secondary school students in Firouzabad. *Quarterly Scientific Journal of Islamic Education*, 15(32), 93-116. (In Persian)
- Zolfaghari Zafarani, Rashid & Alinia, Alireza (2010). Studying the impact of family and school institutions on the socialization of secondary school students in the Roudhen region. *Social Research*, 3(8), 147-164. (In Persian)